

## نگاه سوم به یارانه های پنهان و آشکار و بودجه کشور

عبدالله کریمی - کارشناس ارشد ریاضی کاربردی

### مقدمه

اخیراً بحث یارانه ها در مرکز توجه اکثر اقتصاد دانان و مسئولان قرار گرفته و در این باره نظراتی ارائه می شود. گفته می شود رقمی که بعنوان یارانه انرژی و کالاهای اساسی، دارو و سایر موارد در کشور پرداخت می شود **دارای ارزش ۹۰۰ هزار میلیارد تومان و در حدود ۲.۲ برابر بودجه عمومی سال ۹۸ هست**. این رقم موجب تعجب فراوان می باشد! در واقع مسئولان ما ادعا دارند اگر مقدار مصرف انرژی در کشور را با قیمت های جهانی (مانند فوب خلیج فارس) محاسبه کنیم، مصرف کشور در بخش های مختلف اعم از تولید و مصرف خانگی و تجاری و غیره در حدی است که با قیمت دلار - مثلاً ۸ هزار تومان که قیمت نیمایی دلار است - رقم ۶۵۰ هزار میلیارد تومان توسط دولت دریافت نمی شود، علاوه بر این رقم حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان تحت عنوان یارانه بودجه ای و فرا بودجه ای هم در سایر بخش ها یارانه پرداخت می شود. فرض کنیم ارزش انواع سوختها، گاز طبیعی، برق و سایر صورتهای انرژی و سایر یارانه هایی که پرداخت می شود، **۱۱۰ میلیارد دلار باشد** - که البته سالانه این رقم افزایش هم می یابد - حال اگر بخواهیم ارزش این رقم را به تومان محاسبه کنیم، این کار بستگی به ارزش پول ملی در برابر دلار خواهد داشت. ارزش چنین رقمی در سال ۹۶ که دلار حدود ۳۳۰۰ تومان بود، ۳۶۳ هزار میلیارد تومان بوده است. اما اکنون که قیمت دلار به ۸۰۰۰ تومان (نیمایی) رسیده است ارزش این رقم ۸۸۰ هزار میلیارد تومان است و اگر با ارز بازار آزاد محاسبه شود این رقم بیشتر هم می شود. با طرح دو مبحث مطلبمان را ادامه خواهیم داد.

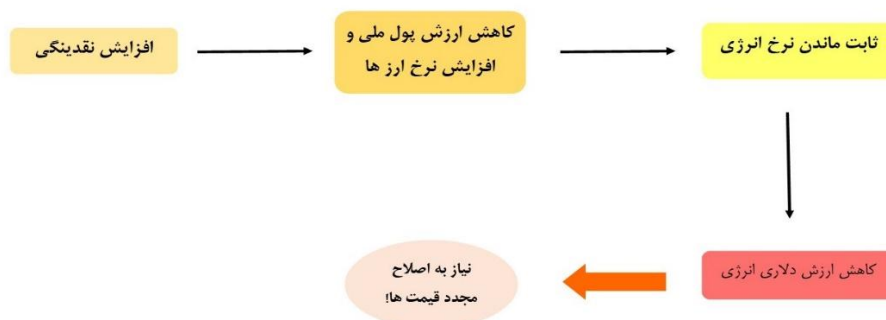
### مبحث اول

ریشه اصلی به میان آمدن رقم بزرگ **۹۰۰ هزار میلیارد را باید در سیستم بانکی کشور جستجو کرد**، سیستمی ربوی که به سپرده ها سودهای بالا پرداخت کرده و انبوه نقدینگی را تولید می کند و این به مرور باعث بی ارزش شدن پول ملی و کاهش ارزش آن در برابر ارزهای خارجی شده و گرانی همه کالاها از جمله انرژی به پیش می آید و البته متنی که دولتمردان از بابت پرداخت

یارانه ها به مردم می نهند هم رفته رفته بزرگتر می شود! در صورتی که ظهور چنین ارقامی حاصل عملکرد ضعیف و غیر علمی خود ایشان است. با توجه به مطالب بالا معلوم می شود که چرا اصلاح نظام پرداخت یارانه ها که در دولت دهم صورت پذیرفت، شکست خورده است. قیمت بنزین از ۱۰۰ تومان به مرور تا ۱۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرده و هنوز هم نیاز است که چندین برابر شود تا به قیمت فوب خلیج فارس نزدیک شود.

نتیجه ای که به دست می آید این است که قبل از هر اصلاحی در قیمت انرژی باید سیستم بانکی کشور اصلاح شده و همانند بانکهای دنیا - با کارمزد زیر ۴ درصد - فعالیت نمایند. به عبارتی ابتدا باید تورم زیر ۴ درصد و یا سایر ارقام متعارفی که در اقتصادهای مطرح دنیا متداول است مهار شود و بعد قیمت انرژی اصلاح شود و بعد از آن در صورت لزوم با شیب بسیار ملایم زیر ۴ درصد افزایش یابد (در این رابطه می توانید به مقاله شماره [1] مراجعه کنید).

گراف زیر را نگاه کنید.



## مبحث دوم

همانگونه که در قسمت قبل اشاره شد تلاش هایی که در گذشته برای این اصلاح قیمتها و شیوه تخصیص یارانه ها صورت گرفته به دلیل عدم کارایی شکست خورده اند اما یک دلیل عمده دیگر این شکست شیوه نگاه به مسئله پرداخت یارانه هاست. سیستمی که در حال حاضر وجود دارد روش ناعادلانه ای برای توزیع ثروت های عمومی می باشد. آمارهایی که اخیراً منتشر شده نادرست بودن این شیوه را به رخ می کشد. ثروتمندان بسیار بیشتر از افراد متوسط و آنها بیشتر از افراد کم درآمد جامعه از

ثروتهای عمومی بهره مند می شوند. به قسمتی از این آمار که در سایت خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۹۸ در مطلبی با عنوان "ثروتمندان ۷ برابر فقرا یارانه پنهان می گیرند" منتشر شده است توجه کنید:

"همچنین توزیع یارانه پنهان در دهک‌ها نشان می‌دهد که متوسط دریافتی یارانه پنهان دهک دهم بیشتر از هفت برابر متوسط دریافتی دهک اول است و هر دهک دهم سالانه به طور متوسط از ۲۱ میلیون تومان یارانه پنهان مستقیم خانوار بهره‌مند می‌شود، در حالی که هر خانوار دهک اول فقط سه میلیون تومان یارانه پنهان دریافت می‌کند." برای مطالعه بیشتر به منبع معرفی شده رجوع کنید.

در حقیقت اینگونه توزیع ثروت‌های عمومی شیوه‌ای نادرست برای اداره کشور می‌باشد. مخصوصاً اگر ما بخواهیم کلمه یارانه را معنی کنیم و بخواهیم آنرا به صورت هوشمند اختصاص دهیم حتماً باید به این نکته کلیدی توجه کنیم که یارانه نباید به همه اقشار جامعه بلکه بایستی بیشتر به اقشار کم درآمد و مناطق محروم تعلق بگیرد.

### سه نوع نگاه به یارانه‌ها

اجازه دهید در ابتدا دو نوع نگاه به شیوه تخصیص رقم ۹۰۰ هزار میلیارد به عنوان یارانه داشته باشیم. **در نگاه اول تصور این است که این مبلغ یارانه است و همانطوری از نامش پیداست برای یاری رساندن به اقشاری که نیاز دارند اختصاص می‌یابد. اما در حال حاضر این مفهوم در این امر جاری نیست چون اولاً به همه ملت تخصیص داده می‌شود و مانند گوشت قربانی بین همه تقسیم می‌شود دوم اینکه این ارقام بیشتر به دست صاحبان ثروت می‌رسد و از این گوشت قربانی نورچشمی‌ها و ثروتمندان بیشتر بهره مند می‌شوند.**

**نگاه دوم این است که این ارقام و منابع متعلق به همه ملت ایران بوده و بیت‌المال است و هر کس سهم خود را دریافت می‌کند که البته این شیوه توزیع ثروت عادلانه نبوده و اتلاف منابع و ثروتهای ملی است و آمارهای ارائه شده این دیدگاه را نقض می‌کند.** عبارتی این ثروتهای عمومی را می‌توانیم خیلی بهتر از این روش به مصرف رسانیم بطوریکه هم عادلانه باشد و هم کفاف نیازهای جامعه را بدهد.

**پس این رقم در هر دو حالت بعنوان یارانه پنهان و آشکار نیست، بلکه چیزی ناشی از نوعی ناتوانی در اعمال سیاستهای صحیح و نیز سوء مدیریت می‌باشد.** برای روشن تر شدن موضوع به مثالی توجه کنید. فرض کنید مردی باغ بزرگی دارد و محصولاتی در فصل تابستان به دست می‌آورد. تصور کنید مرد قسمت بزرگی از میوه هایش را به رهگذرانی که با ماشین‌های لوکس و یا

معمولی خود از آن محل عبور می کنند می بخشند، اما بعد برای پرداخت دستمزد کارگران و کارمندان و معیشت خانواده با مشکل و کمبود بودجه مواجه می شود. در حالی که مرد می توانست میوه ها را به افراد ثروتمند و دارا با قیمت عادلانه بفروشد، به برخی فقرا مقداری از محصول را ببخشد، و برای ایجاد شغل برای فرزندان خود و توسعه باغ و پرداخت دستمزد کارگران و کارمندان خود بودجه کافی داشته باشد! شاید تصور چنین مرد باغداری در دنیای واقعی سخت باشد اما متأسفانه عملکرد دولتهای محترم ما دقیقاً اینگونه است. دولت های ما منابع و ثروتهای عمومی کشور را با قیمت نازل به ثروتمندان و برخی طبقات پر مصرف می فروشند و رقم بسیار بزرگ ۹۰۰ هزار میلیارد تومان را در حقیقت با سوء مدیریت به باد می دهند و برای ایجاد شغل برای افراد جامعه، یا طرحهای عمرانی و یا ارتقای بهداشت و سلامت و ... با مشکل برخورد می کنند و قسم می دهند که "بودجه نیست!"

اما می توان نگاه سومی به موضوع یارانه ها! با رقم بسیار بزرگ ۹۰۰ هزار میلیارد داشت که بایستی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. منابع و ثروتهای عمومی متعلق به همه ملت ایران هستند و باید از طریق دولت برای برقراری عدالت اقتصادی و رفاه و پیشرفت همه کشور و نه تنها فقط برخی صاحبان ثروت و سرمایه داران و کلانشهرها مصرف شود. اصولاً باید این ثروت عظیم به بیت المال برگردد تا دولت بتواند وظایف ذاتی خود را در تأمین امنیت، بهداشت، آموزش و رفع فقر و ایجاد رفاه به نحو احسن انجام دهد. اگر قرار است مقداری از این رقم بعنوان یارانه نقدی و یا غیر نقدی پرداخت شود، باید با توجه به نیازهای افراد و جامعه تعلق گیرد.

### آسیب شناسی عدم تحرک دولتها در زمینه اصلاح قیمت ها و راهکاری برای آن

آنچه که از عملکرد دولتها معلوم است، آنها علاقه ای به ایجاد تغییرات اساسی در نحوه تخصیص اموال بزرگی که تحت عنوان یارانه ها هزینه می شود، ندارند. دولت دهم که هم که اقداماتی انجام داد ناموفق بوده است و این تجربه شکست خورده موجب بی انگیزگی دولتمردان بعدی و عدم اعتماد مردم به بحث اصلاح قیمتها شده است. از عللی که می توان به این عدم تحرک در این زمینه اشاره کرد دو مورد ذیل هستند :

اول، نداشتن ایده و برنامه ای شفاف و روشن. برای حل این معضل بایستی مسیر اقتصاد کشور به خوبی ترسیم شده و از نظریات دانشمندان اقتصادی داخلی و بین المللی نهایت استفاده برده شود. برنامه و طرحی ویژه باید طراحی شود تا برای جامعه روشن شود که اگر قرار است یارانه های انرژی می خواهند حذف شوند و یا کمتر شوند منابع به دست آمده قرار است چگونه مصرف شود.

دومین اقدام جلب اعتماد و رضایت مردمی جهت همکاری برای اجرای طرح است، اگر یک برنامه مشخص برای اینکار تدارک دیده شود و در رسانه های جمعی در مورد آن بحث های کارشناسی صورت گیرد، اعتماد عمومی را می شود جلب کرد و برای جلب رضایت مردمی می توان از ظرفیت قانون اساسی و اصل ۵۹ آن که همه پرسى می باشد، استفاده نمود تا در صورت پاسخ مثبت اکثریت، گروههای اقلیت مخالف هم متوجه وضعیت شده و بجای اعتراض همکاری نمایند.

### اصلاح بودجه کشور بر اساس دیدگاه عدالت محور

اگر به صورت اجمالی نگاهی به نحوه بودجه ریزی کشور داشته باشیم، متوجه می شویم که الزاماً باید این شیوه بهبود یابد. این مهم از طریق عادلانه کردن قیمت انرژی و مصرف عادلانه آن برای همه کشور باید صورت بگیرد. کشور بایستی بدون احتساب درآمدهای صادراتی نفت خام اداره شود و درآمدهای حاصل از نفت فقط جهت توسعه کشور و سرمایه گذاری ها و موارد خاص مورد استفاده قرار گیرد. برای نیل به این هدف باید دو کار صورت بگیرد. افزایش درآمدهای مالیاتی در حد مناسب از طریق اخذ مالیات از افراد و شرکتهایی که فرار مالیاتی دارند و واقعی کردن ارقام دریافتی از واحدهای تجاری و صنفی و سایر موارد. ضمناً بعد از اصلاحات اقتصادی درآمدهای مردم افزایش پیدا می کند و بالطبع مردم هم مالیات بیشتری پرداخت می کنند.

در اقدام دیگر دولت مردان ما باید برنامه ای را تهیه کنند که از رقم ۹۰۰ هزار میلیارد دو سوم آن به بودجه سالانه واریز شود تا دولت با تنظیم یک بودجه مناسب بتواند با دستانی باز و بصورت عادلانه کشور را اداره کند. یک سوم دیگر که بیشتر برای تولید و موارد خاص در نظر گرفته می شود تا رونق اقتصادی محقق شود، در یک برنامه ۱۰ ساله می تواند به مرور به بودجه بازگردد.

برای بیان بیشتر، مقایسه ای بین بودجه سالهای ۹۵ و ۹۶ با سال ۹۸ و ارزش دلاری آنها انجام می دهیم. بودجه عمومی سال ۱۳۹۵ رقم ۲۹۴ هزار میلیارد تومان می باشد که با احتساب دلار ۳۱۰۰ تومانی در آن سال ارزش بودجه سال ۹۵ تقریباً رقم ۹۵ میلیارد دلار خواهد بود. همچنین بودجه عمومی سال ۱۳۹۶ رقم ۳۲۰ هزار میلیارد می باشد که با احتساب دلار ۳۳۰۰ تومانی در آن سال ارزش بودجه سال ۹۶ تقریباً رقم ۹۷ میلیارد دلار خواهد بود. این در حالیست که رقم بودجه سال ۹۸ نسبت به آن سال ها افزایش چشم گیری نداشته (حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان) اما نرخ دلار (نیمایی) تا حدود ۳ برابر افزایش یافته است. این موضوع نشانگر این است که توان خرید رقم بودجه -و همه کسانی که از محل بودجه درآمد دارند- و نیز ارزش بودجه های عمرانی به شدت کاهش یافته و تا حدود ۵۰ میلیارد دلار تنزل یافته است. حال برای اینکه ارزش بودجه به سال ۱۳۹۶ برگردد و ارزش دلاری آن باز به رقم تقریبی یکصد میلیارد دلار برسد، رقم بودجه عمومی کشور باید تا ۸۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش

یابد. با توجه به اینکه کشور در وضعیتی قرار گرفته که به دلیل تحریم ها تحقق درآمدهای سالانه ۵۰ الی ۱۰۰ میلیارد دلاری نفت امکان پذیر نیست، لزوماً باید اصلاح قیمت انرژی و حذف یارانه صورت پذیرد. برای یک نمونه اگر قیمت بنزین را بررسی کنیم در سال ۹۶ که قیمت بنزین ۱۰۰۰ تومان بوده و نرخ دلار ۳۳۰۰ تومان، ارزش دلاری هر لیتر بنزین ۳۰ سنت بوده است، اگر بخواهیم در حال حاضر با دلار ۸۰۰۰ تومانی قیمت جدید بنزین را محاسبه کنیم قیمت بنزین تا ۲۴۰۰ تومان می تواند افزایش یابد اما برای تحقق درآمد ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی قیمت باید بیشتر (۴۰۰۰ الی ۵۰۰۰ تومان) باشد.

با احتساب درآمدهای مالیاتی و یارانه های نقدی که اکنون پرداخت می شود و با اضافه شدن قسمتی از درآمدهای نفتی رقم بودجه سالانه کشور تا حدود ۱۱۰۰ هزار میلیارد می تواند افزایش یابد.

### پیشنهاد یک برنامه

در این طرح دلار ۸۰۰۰ تومانی مبنای محاسبات قرار می گیرد و پیش شرط بسیار مهم این است که دولت ابتدا برای ثبیت تورم زیر ۴ درصد از طریق اصلاح نظام بانکی اقدام می کند. در غیر اینصورت باید حالت دیگری در نظر گرفته شود که اثر افزایش نقدینگی بصورت سالانه روی تورم و نرخ ارز تخلیه شود و قیمتها با توجه به ارز جدید سیال باشند که البته روشی ناعادلانه است.

در برنامه پیشنهادی درآمدهای بودجه کشور از سه منبع عمده به دست می آید:

الف) حذف دو سوم یارانه های پنهان و آشکار. از این محل همانطوری که قبلاً مطرح شد رقم ۶۰۰ هزار میلیارد تومان به دست می آید.

ب) اصلاح درآمدهای مالیاتی و اضافه شدن سایر درآمدهای غیر نفتی. با توجه به افزایش قیمتها ارزش ریالی معاملات اصناف و تجار افزایش یافته است و اصولاً باید رقم درآمدهای دولت متناسب با آن افزایش یابد. همچنین گروهی از واحدهای تجاری که مالیاتهای غیر واقعی می پردازند یا فرار مالیاتی دارند، باید جهت افزایش رقم مالیات در بودجه مورد توجه دولت قرار گیرد. درآمدهایی در بودجه وجود دارند که بغیر از نفت و یارانه ها و مالیات ها می باشند. در مجموع از این قسمتها درآمدهای دولت می تواند در گام نخست تا ۲۵۰ الی ۳۰۰ هزار میلیارد و در گامهای بعدی بیشتر هم باشد.

ج) درآمدهای حاصل از صادرات نفتی. این درآمدها صرفاً باید برای پیشرفت کشور و موارد خاص مصرف شود و در سالهایی که در تحریم قرار داریم فعلاً به بودجه ارقام به مراتب اندک از این محل اضافه می شود. اما بعد از رفع تحریم ها می شود ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلار (۲۵۰ الی ۳۰۰ هزار میلیارد تومان) به رقم بودجه از این محل اضافه کرد.

در مجموع رقم سالانه بودجه کشور در این طرح ۱۱۰۰ الی ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. البته با توجه به ضعف جامعه آماری در کشور، تخمین این ارقام بدون دسترسی به ارقام واقعی سخت است. یک بحث مهم در رابطه با چنین برنامه ای این است که تکالیف مردم و دولت هر کدام چه خواهد بود. بعبارتی مردم برای مصرف انرژی چه مبلغی را باید بپردازند تا ارقام پیشنهادی به وقوع بپیوندد؟ برآوردهای اولیه نشان می دهد که قیمت بنزین، گاز طبیعی، برق و آب حدود ۴ الی ۵ برابر باید باشد. بعنوان مثال برای یک خانوار ایرانی با جمعیت متوسط ۳.۳ نفر مصرف ماهانه ۱۰۰ لیتر بنزین حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. و برای یک خانوار با مساحت واحد مسکونی حدود ۱۰۰ متر هزینه گاز، برق و آب حدود ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود. (گاز ۲۰۰ هزار، برق ۱۰۰ هزار و آب ۱۰۰ هزار تومان).

در ادامه ضمن انتقاد از نوع نگاه دولتمردان به موضوع عدالت مواردی را مطرح می کنیم که قسمتی از ارقام بودجه باید توسط دولت محترم برای آن بندها مصرف شود. قسمت دیگر ارقام بودجه می تواند مطابق معمول مورد مصرف قرار گیرد.

۱) حقوق کارمندان و مستمری بگیران. این دسته از افراد جامعه نیاز دارند که حقوق و مزایای عادلانه دریافت کنند و به دریافت یارانه نقدی با هر عددی اصولاً نباید نیازی داشته باشند. اگر درآمد دلاری کارمندی با درآمد ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را به دلار ۸۰۰۰ تومانی حساب کنیم، عدد ۴۰۰ دلار به دست می آید -البته این رقم با ارز ۱۳۰۰۰ تومانی توان خریدی کمتر از ۳۰۰ دلار دارد- رقم مثال ما خیلی بیشتر از دریافتی کارگران و مستمری بگیران هست. این رقم عادلانه نیست و بعد از افزایش قیمت ارز توان خرید آن به شدت کاهش یافته است. این رقم می تواند در گام اول تا ۷۰۰ دلار (۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان) و در گام های بعدی تا ۱۰۰۰ دلار (۸ میلیون) و بیشتر افزایش یابد. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه ۲۵۹۸۰۰ میلیارد می باشد.

۲) بهبود وضعیت معیشتی کارگران که از محل تخصیص یک سوم (۳۰۰ هزار میلیارد) از رقم کنونی ۹۰۰ هزار میلیارد به بخش تولید و خدمات صورت خواهد گرفت. درآمدهای کارگران در گام اول در مقایسه با توان خرید سال ۹۶ تا مبلغ ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان -معادل ۲۸۲ دلار سال ۹۶ که از تقسیم ۹۳۰ هزار تومان بر عدد ۳۳۰۰ تومان به ازای هر دلار به دست می آید- می تواند افزایش یابد و اعطای یارانه تولید به این شرط و شرایط دیگر- خواهد بود. رقم پیشنهادی برای این بند

در بودجه سالانه بنا به تشخیص دولت و بر اساس آمارهای اقتصادی می باشد که خارج از بودجه است. علاوه بر این رقم ۲۰۰ هزار تومان یارانه ماهانه که در بند ۱۳ مطرح شده شامل کارگران و افراد تحت تکفل آنها خواهد گردید.

(۱۳) مستمری برای بیکاران تحصیل کرده و عادی. معضل بسیار بزرگی در کشور ما با نام بیکاری وجود دارد که با در نظر گرفتن بی توجهی ها و رفتارهای ناعادلانه مانند تخصیص یارانه به ثروتمندان جامعه، فعلاً افقی برای رفع این بحران وجود ندارد. اما در صورت اصلاح نظام اقتصادی و بودجه ریزی کشور، در دو اقدام می توان به بحران بیکاری فایق آمد. با انجام کارهای عمرانی و افزایش این رقم در بودجه تعداد زیادی از بیکاران دارای شغل خواهند شد. در اقدام دوم به افرادی که نتوانسته اند شغلی برای خود بیابند، مستمری پرداخت خواهد شد. پیشنهاد ما پرداخت یک میلیون و پانصد هزار تومان ماهانه برای افراد دکتری بیکار، یک میلیون تومان برای دکتری حرفه ای و فوق لیسانس، هشت صد هزار تومان ماهانه برای لیسانس و ۷۰۰ هزار تومان فوق دیپلم و افراد دیپلم و پایین ۵۰۰ هزار تومان می باشد. این پرداخت می تواند حداکثر ۵ سال باشد و بعداً چنانچه برای این افراد شغلی پیدا نشد، با اعطای سهام به آنها می توان مستمری را قطع کرد. (این مورد قبلاً در مقاله ای با نام افزایش نقدینگی کاهش ارزش پول ملی...، مقاله شماره [1] بحث شده است). رقم پیشنهادی - با فرض آمارها و برای ۵ میلیون نفر در نظر گرفته شده اما به مرور کاهش خواهد یافت- برای این بند در بودجه سالانه ۳۵۶۶۵ میلیارد می باشد.

(۱۴) افراد بالای ۶۰ سال فاقد درآمد. هزینه های زندگی برای این دسته از افراد با توجه به مسائلی از قبیل شروع بیماری در این سنین و بزرگ شدن خانواده و ... هزینه بالایی است و شایسته است که به چنین افرادی از جامعه که جوانی خود را به نوعی صرف کشور نموده اند توجه گردد. رقم این بند در بودجه سالانه بنا به آمارهای دقیق باید تعیین شود اما مبلغ ۵۰۰ هزار تومان برای دو میلیون نفر و در کل رقم ۱۴۴۰۰ میلیارد پیشنهاد می گردد.

(۱۵) زنان و کودکان بدون سرپرست یا بد سرپرست و همچنین کودکان کار از جمله افرادی هستند که باید مورد توجه بخصوص باشند. این افراد باید تحت سازمان بهزیستی قرار گیرند و بودجه این سازمان افزایش مناسبی داشته باشد تا خدمات بهتری ارائه دهد. رقم این بند را در بودجه سالانه بنا به آمارهای دقیق می توان تعیین کرد، اما رقم پیشنهادی ۱۴۴۰۰ میلیارد می باشد که به رقم بودجه سازمان بهزیستی اضافه می شود.

(۱۶) دانش آموزان، دانش جویان، طلاب. اصولاً باید بودجه کافی برای هر دانش آموز بصورت هزینه سرانه اختصاص داده شود تا از وضعیت کنونی - که ناقض اصل قانون اساسی در مورد رایگان بودن آموزش ابتدایی و متوسطه است- رهایی یابیم. در کشور ما با این همه منابع، باید بتوان علاوه بر پرداخت حقوق عادلانه برای معلمان که در بند اول پیش بینی شده است،

بودجه ای برای هزینه های سرانه و افزایش وسایل کمک آموزشی و بهبود آموزش و ساخت و تعمیر مدارس در نظر گرفته شود. چنین بودجه ای باید برای دانش جویان کشور نیز در نظر گرفته شود که از طریق وزارتخانه اعمال شود. قسمتی از رقمی که برای دانش آموزان و دانش جویان در نظر گرفته می شود بصورت بن کتاب برای مطالعه بیشتر کتاب و نیز بن لباس و لوازم التحریر یا کمک هزینه تحصیلی پرداخت شود. این امکانات برای طلاب حوزه های دینی نیز در نظر گرفته می شود. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه ۴۲۰۰۰ میلیارد می باشد. این رقم برای سرانه ماهانه هر دانش آموز ۱۰۰ هزار تومان است که از طرق مطرح شده در بند هزینه می شود. رقم برای دانشجویان و طلاب ۵۰۰ هزار تومان است که قسمتی توسط وزارتخانه مربوطه توسط دانشگاه و حوزه هزینه می شود و مبلغ ۳۰۰ هزار تومان کمک هزینه پرداخت می شود.

۷) پرداخت حقوق عادلانه برای سربازان کشور. سربازان کشور تأمین کننده امنیت کشور هستند. هر چند که فرزندان میهن برای انجام وظیفه موظف هستند که حدود ۲ سال از عمر خود را در این راه صرف کنند اما شایسته است که حقوق مناسب برای این عزیزان در نظر گرفته شود. قانون حداقل دستمزد و یا رقم حداقل یک میلیون و پانصد هزار تومان به همراه حق بیمه علاوه بر هزینه های کافی سرانه برای انجام خدمت سربازی باید در نظر گرفته شود. اگر چنین اتفاقی بیافتد اصولاً خدمت سربازی به عنوان یک شغل تعریف خواهد شد که علاوه بر کاهش تعداد بیکاران کشور، اشتیاق جوانان برای انجام این دوره بیشتر خواهد بود. در گام بعدی دولت می تواند طرح سرباز حرفه ای ۵ ساله را برای بهتر شدن وضعیت در نظر بگیرد و استثنائاً برای دوران صلح، طرح فروش را با دریافت ۳ سال هزینه خدمت سربازی به انجام برساند. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه ۱۶۰۰۰ میلیارد می باشد.

۸) ارتقای سطح کیفی بهداشت افراد جامعه از طریق بهبود خدمات پزشکی و ... همچنین بهبود عملکرد طرح و بیمه سلامت، که بیشتر وضعیت بیمار و امکانات باید مورد توجه قرار بگیرد. تجهیز بیمارستانها، بستن قرارداد های معتبر با تمام پزشکان جامعه برای ارائه خدمات از طریق این بیمه می تواند از اهداف این طرح باشد. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه با توجه به نظر دولت می باشد.

۹) بهبود و ارتقای حمل و نقل شهری و بین شهری نیازی اساسی برای همه کشور از جمله کلان شهرهاست که تخصیص اعتبار مناسب را می طلبد. احداث و تکمیل خطوط مترو و سایر راهکارها برای راحتی سفرهای درون شهری و تشویق مردم برای استفاده بیشتر از وسایل نقلیه عمومی باید مورد توجه باشد. ارتقای کیفیت اتوبوس های بین شهری و قطارها و سایر

وسایل نقلیه در بند بیشتر مورد توجه باید باشد. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه با توجه به نظر دولت می باشد.

۱۰) توسعه و ترمیم راههای کشور. همه راههای دو بانده که هر شهرستانی را به مرکز استان و شهرهای مهم وصل می کند باید تبدیل به راههای چهار بانده شوند. اینکار تصادفات را به شدت کاهش می دهد. بزرگ راههای جدید ریل های جدید خط آهن که همه مرکز استانهای کشور را به همدیگر متصل کند، همچنین فرودگاههای جدید برای مواصلات بهتر بایستی مورد توجه قرار گیرد. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه با توجه به نظر دولت می باشد.

۱۱) بودجه عمرانی مخصوص شهرداری ها و مخصوصاً برای شهرهای کوچک و محروم برای رفع تبعیض و رفع فقر باید اختصاص یابد. با توجه به درآمدهای اندک شهرداری های شهرهای کوچک و متوسط باید به این مهم توجه بیشتری شود تا رنگ و روشنی مفهوم عدالت برای افرادی که در شهرستان های کوچک زندگی می کنند قابل لمس باشد. تخصیص چنین بودجه ای برای کلانشهرها و شهرهای بزرگ و روستاها نیز ضروری است. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه ۴۰۰۰۰ میلیارد می باشد که بصورت سرانه (۵۰۰ هزار تومان) برای جمعیت شهرها و روستاها تعلق می گیرد.

۱۲) مکانیزه کردن و توسعه بخش کشاورزی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا منابع آبی کشور به صورت مناسب استفاده شده و از محیط زیست محافظت شود. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه با توجه به نظر دولت می باشد.

۱۳) یارانه به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به تعداد حداکثر ۵۰ میلیون نفر. این بند به مدت ۵ سال اجرا شده و با بهبود وضعیت می تواند به مرور تغییر یابد. رقم پیشنهادی برای این بند در بودجه سالانه ۱۲۰۰۰۰ میلیارد می باشد. افراد تحت تکفل هر سرپرست علاوه بر همسر فقط فرزندان زیر ۱۸ سال هستند و اعضای خانواده که سرباز یا دانشجوی یا شاغل یا بیکار هستند خود مستقیماً از طرحهای مطرح شده استفاده خواهند کرد.

۱۴) بهبود شرایط اعطای وام مناسب برای اصناف و تجار جهت تقویت توان خرید و حذف چک های مدت دار از بازار. در این مورد بیشتر از آنکه به بودجه نیاز باشد به اصلاح قوانین مرتبط از جمله اصلاح نظام بانکی نیازمندیم.

همانگونه که مطرح شد فقط به تعدادی از بندهای فوق می توان عنوان یارانه را داد و مابقی جزو وظایف ذاتی دولت هستند که باید انجام گیرد. جدول متناظر با بندهای فوق را در ذیل مشاهده می کنید. ارقامی که در جدول صفر هستند بنا به نظر دولت با توجه به آمارها و نیازها از مابقی بودجه تخصیص می یابد. همچنین از رقم باقی مانده که حدود نصف بودجه پیشنهادی است

برای تخصیص در قسمتهایی که بصورت ثابت چهارچوب بودجه را تشکیل می دهند مانند بودجه های عمرانی و وزارت خانه ها (منهای دستمزد پرسنل) استفاده خواهد شد.

| رقم (میلیارد تومان) | عنوان                                                |    |
|---------------------|------------------------------------------------------|----|
| ۲۹۵,۸۰۰             | حقوق کارمندان و مستمری بگیران                        | ۱  |
| ۰                   | بهبود وضعیت معیشتی کارگران                           | ۲  |
| ۳۵,۶۶۵              | مستمری برای بیکاران تحصیل کرده و عادی                | ۳  |
| ۱۴,۴۰۰              | افراد بالای ۶۰ سال فاقد درآمد                        | ۴  |
| ۱۴,۴۰۰              | زنان و کودکان بدون سرپرست و سازمان بهزیستی           | ۵  |
| ۴۲,۰۰۰              | دانش آموزان، دانش جویان، طلاب                        | ۶  |
| ۱۶,۰۰۰              | پرداخت حقوق عادلانه برای سربازان کشور                | ۷  |
| ۰                   | ارتقای سطح کیفی بهداشت، سلامت و خدمات پزشکی          | ۸  |
| ۰                   | بهبود و ارتقای حمل و نقل شهری و بین شهری             | ۹  |
| ۰                   | توسعه و ترمیم راههای کشور                            | ۱۰ |
| ۴۰,۰۰۰              | بودجه عمرانی مخصوص شهرداری ها                        | ۱۱ |
| ۰                   | مکانیزه کردن و توسعه بخش کشاورزی                     | ۱۲ |
| ۱۲۰,۰۰۰             | یارانه به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به تعداد ۵۰ میلیون نفر | ۱۳ |
| ۰                   | بهبود شرایط اعطای وام مناسب برای اصناف و تجار        | ۱۴ |
|                     |                                                      | ۱۵ |
| ۵۷۸,۲۶۵             | جمع کل                                               |    |
| ۱,۱۰۰,۰۰۰           | بودجه پیشنهادی                                       |    |
| ۵۲۱,۷۳۵             | باقی مانده                                           |    |

لینک (آدرس) مقاله شماره [۱]: افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و پیشنهاداتی برای رفع آن ها

افزایش-نقدینگی-کاهش-ارزش-پول-ملی-و-پیشنهادهای-برای-رفع-آن ها/373710/news/fa/fararu.com/https://